

دوفصلنامه علمی پژوهشی حدیث پژوهی
سال دهم، شماره نوزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۷
صفحه ۲۷۸-۲۵۱

مطالعه تحلیلی سیر پژوهش‌های غربی در حدیث امامیه

علی حسن‌نیا*

علی راد**

سید محمد موسوی مقدم***

◀ چکیده:

شناخت ادوار تاریخی مطالعات و پژوهش‌های انجام‌شده در حدیث امامیه از سوی خاورشناسان، مقدمه‌ای است بر کشف نظریات، اندیشه‌ها، رویکردها و نقاط عطف موجود در هر دوره. در برآیند توجهات، پژوهش‌ها و نظریات ارائه‌شده در این باب، به لحاظ گذار تاریخی و سیر تطوری آثار خاورشناسی، چهار دوره زمانی متصور است که به طبع در هر یک از ادوار می‌توان هم‌پوشانی‌ها و تلاقی‌گاه‌هایی یافت. همچنین، در هر یک از ادوار تاریخی، نقاطی بر پدیداری رویکردی نو در آن دوره وجود دارد. این نقاط مهم تاریخی، سرآغاز هر دوره به شمار می‌آیند و گاه با برآمدن یک پژوهش، گاه با ظهور یک خاورشناس و گاه با رخ دادن یک رویداد نقطه‌یابی می‌شوند. نوشتار حاضر بر آن است تا نقطه‌های عطف موجود در هر دوره را شناسایی کرده، بر آن اساس ابتدا و انتهای ادوار را برکاویم. شناساندن جریان غالب در هر دوره و ارائه تصویری روشن از تلاش مطالعاتی غربیان در باب حدیث امامیه از آغاز تاکنون، غایتی است که این پژوهش در پی آن است.

◀ **کلیدواژه‌ها:** حدیث پژوهی، خاورشناسان، سیر تطوری، امامیه.

* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه شاهد / a.hasannia@shahed.ac.ir

** دانشجویان پردیس فارابی دانشگاه تهران و نویسنده مسئول / ali.rad@ut.ac.ir

*** استادیار پردیس فارابی دانشگاه تهران / sm.mmoqaddam@ut.ac.ir

مقدمه

به منظور دریافتی صحیح و روشن از مجموعه تلاش‌ها و فعالیت‌های خاورشناسی در حوزه حدیث شیعه، به‌ویژه شیعه امامیه، باید عرصه‌ها و حوزه‌های گوناگونی را بررسیید. این عرصه‌ها و حوزه‌ها می‌تواند از زوایای تاریخی، اجتماعی، روشی، رویکردی و موضوعی صورت گیرد. به‌طبع، هرکدام در وصول به نگاهی جامع و درست از مجموع تلاش‌ها، همچون قطعه‌ای است از پازل چندبخشی مطالعات غربیان در حدیث شیعه.

از موارد مهم و قابل تأمل در مجموعه گونه‌گون پژوهشی ایشان^۱، بررسی و تحلیل تطور و سیر پژوهشی آنان در طول زمان است؛ بدین معنا که با بررسی سیر تاریخی نگارش‌ها، از اولین تا به آخرین‌ها، به‌ویژه مطالعاتی که به‌لحاظ اثرگذاری در درجه مهم‌تری قرار دارند و از قلم‌فرسایی افراد مهم و شاخص شرق‌شناس صادر شده‌اند، زوایایی از موضوعات صورت‌گرفته در طول زمان و نحوه تغییر و تبدیل آن‌ها در گذر سال‌های دور و نزدیک تحقیقی غربیان مورد مطالعه قرار گرفته تا در نهایت، رویکردهایی که در هر دوره متصور بوده و مجموعه‌ای از نگارش‌ها با آن رویکردها به نگارش درآمده‌اند، کشف گردد.^۲ بنابراین شناخت این «تطور رویکردی» و «تکامل تدریجی تاریخی»، تصویری روشن‌تر از این تلاش‌ها ارائه خواهد داد. همچنین، شناخت تطوری آثار، ما را در کشف روابط پنهان میان خاورشناسان در باب شیعه‌پژوهی یاری خواهد رساند؛ چراکه مطالعات انجام‌شده در باب حدیث‌پژوهی شیعه، بی‌شک متأثر از نیازی بوده که آنان در حوزه مطالعات شیعی داشته‌اند. این نیاز نیز از جریان مطالعات امامیه و پیش از آن، مطالعات شیعی در غرب نشئت می‌گیرد. ضمن آنکه دور از نظر نیست که مطالعات شیعی به‌عنوان یکی از محورهای کم‌بسامد تا دهه‌های اخیر، به‌عنوان یک مطالعه جانبی و حاشیه‌ای در مطالعات اسلامی و ادبیات دینی اسلامی مورد توجه بوده، و عمده مطالعات صورت‌گرفته در اسلام سنی و یا قرآن‌پژوهی غربیان خلاصه می‌شده است. به‌دیگر سخن، مطالعات آنان در حوزه حدیث شیعه در یک سیر تدریجی تکاملی و در گذار از ادوار اسلام‌شناسی و شیعه‌شناسی آنان، در دهه‌های اخیر به یک توجه نسبی رسید، تا آنجا که در سال‌های

اخیر، شاهد پژوهش‌های مستقل و قابل توجهی در این زمینه هستیم؛ گرچه این توجه در مقایسه با حدیث سنی بسیار کمتر است.

در مجموع، برای تلاش‌های غربیان در باب حدیث شیعه از نظر سیر تاریخی و گذار تطوری جریان شیعه‌پژوهی در غرب و به‌طور خاص در حدیث شیعه، چهار دوره زمانی لحاظ می‌شود.

۱. دوره نخست: گام‌های لرزان حدیث‌پژوهی با رویکرد تبشیری (۱۱۸۶-۱۸۷۴م)

اولین دوره متعلق است به زمانی که اولین توجه به شیعه ایجاد شد؛ این توجه اول بار در برخورد مسیحیان با مسلمانان در جنگ‌های صلیبی به وجود آمد. سپس در دوران حکومت صفوی، انگیزه‌های این توجهات بیشتر شد تا آنجا که در قرن‌های بعد، در خصوص متون روایی شیعه دوازده‌امامی، اولین مطالعات و پژوهش‌ها البته به‌میزان بسیار اندک صورت گرفت. این دوره حدود هفت قرن به طول انجامید و از اواخر قرن دوم تا اواخر قرن نوزدهم میلادی ادامه داشت. آنچه در کشمکش میان مسیحیان و مسلمانان مشهود است، حضور مبلغان و مبشران مسیحی است که برای شناخت این گروه از مسلمانان، یعنی شیعه، تلاش‌هایی را انجام داده‌اند. این کوشش‌ها کم‌کم از جریان شناخت شیعه به معنای عام آن، به شناخت شیعیان دوازده‌امامی و متون معتبر نزد آنان انجامید. البته تمامی تلاش‌های صورت‌گرفته در این دوران، حتی به‌اندازه حداقل مطالعات هم در حدیث شیعه به شمار نمی‌آیند، اما از آنجا که اولین توجهات غرب به شیعه‌اند، می‌توانند به‌عنوان سرآغازی بر رویکردهای پسین بر مطالعات روایی شیعه مورد توجه قرار گیرند؛ ضمن آنکه شناخت تطوری مطالعات غربیان در حدیث شیعه، مستلزم شناخت نخستین رگه‌های به‌وجودآمده در این سیر طولانی است.

۱-۱. نبردهای صلیبی: اولین توجهات به شیعه

اولین مطالعه در حوزه شیعه به اولین برخورد مسیحیان در دنیای غرب با شیعیان، در دوران جنگ‌های صلیبی در قرون وسطی برمی‌گردد. پروفیسور برنارد لوئیس (Bernard Lewis؛ ۱۹۱۶-۲۰۰۵م) نشان داده است که تشیعی که جهان غرب برای اولین بار از طریق تجربه مستقیم با آن آشنا شد، تشیع فاطمیه و چندی بعد، تشیع اسماعیلیه بود.

این فاطمی‌ها، و نه شیعیان دوازده‌امامی، بودند که جنگجویان صلیبی (صلیبیون) به‌عنوان اولین دشمنان خود با آنان مواجه شدند و هرچند این امکان وجود دارد که این جنگجویان با شیعیان دوازده‌امامی برحسب تصادف در سوریه و فلسطین برخورد کرده باشند، آنان نه مثل فاطمیون در یک دولت مستقل سازمان یافته و نه مانند اسماعیلیان دارای جلوه و جذبه صوفیانه بودند. لذا برای نویسندگان صلیبی از جاذبه به‌مراتب کمتری برخوردار بودند. (Kohlberg-A, 1987)

ظاهراً اولین توجه غرب به شیعه، توسط ویلیام تیری (William Thierry)^۳ در مقاله‌ای که او چهار سال قبل از مرگ خود نگاشته، صورت گرفت. وی این اعتقاد را که علی علیه السلام پیامبر واقعی است و خداوند با اراده خود رسالت اسلام را به او واگذار کرده است، به شیعیان نسبت می‌دهد: «حضرت جبرئیل به خطا (یا به واسطه گمراهی) این رسالت را در عوض به محمد صلی الله علیه و آله و سلم واگذار کرد.» (همان)

در خصوص شیعیان دوازده‌امامی نیز، از منابع موجود چنین برمی‌آید که فقط یک نویسنده صلیبی، آن‌هم در مناطقی که بخش مهمی از جمعیت آن را شیعیان تشکیل می‌دادند، حقیقتاً با آنان ملاقات و صحبت کرده است. او مبلغ معروف مذهبی، پیرو سنت دومینیک (Dominique-Saint)، دامونت کروس (Cruise) است که بلافاصله پس از رهایی از مرگ در فلسطین، غصب شدن حقوق علی علیه السلام را ثبت نمود، اما حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را غاصب حقوق علی علیه السلام می‌دانست! (همان)

۱-۲. ظهور دولت صفوی: آغاز توجهات بیشتر

پس از آن، گرچه جسته‌گریخته سخنی در لابه‌لای مباحث غربیان در باب دوازده‌امامی مطرح شده، اما شیعه دوازده‌امامی تا دوران صفویه (در قرن هفدهم میلادی) و تلاقی غربیان با ایران دوران صفوی، ناشناخته مانده است. اولین تلاش‌ها در باب حدیث شیعه، درباره امام علی علیه السلام و در قرن هفدهم میلادی انجام شد. او نه به‌عنوان بنیانگذار تشیع، بلکه پیش از هر چیز، به‌عنوان ادیبی عالی‌قدر و چهره‌ای سیاسی در صدر اسلام توجه همگان را به خود جلب کرده است. ژاکوبوس ژولیوس (Julius) از پیشگامان مطالعات عربی در هلند، برخی از کلمات قصار منتسب به حضرت علی علیه السلام را در مجموعه منتخب خود (منتشر شده به سال ۱۶۲۹م) گنجانده است. گفته‌های علی علیه السلام

بعدها توسط سیمون اوکلی (Simon Ockley) (لندن، ۱۷۱۷م) و کورنلیوس ون وونن (آکسفورد، ۱۸۰۶م) و ویلیام یول (ادینبورگ، ۱۸۳۲م) منتشر شد. (همان) شیعه در طول این دوران کمتر مورد توجه قرار گرفته، اما شیعه دوازده‌امامی تا همین سال‌های اخیر هم مورد توجه نبوده است.

۳-۱. مطالعات نخستین متون روایی شیعه دوازده‌امامی

در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی، تلاش‌هایی برای دست یافتن به دست‌نوشته‌ها و نُسخ اولیه، برای قرار دادن در کتابخانه‌ها و مجموعه‌های شخصی و تصحیح یا ترجمه متون شیعی انجام گرفت. البته این حرکت، پراکنده و نامشاقانه بود. هیچ کتابخانه مهم اروپایی به خرید نُسخ اصلی و دست‌نوشته‌هایی در باب تشیع دوازده‌امامی به‌عنوان یک اولویت، وقعی ننهاد و انتشار متون شیعی، چه متون بدیع و دست‌نخورده و چه ترجمه آن‌ها، به همان شکل گهگاه و آن‌هم تا حدود زیادی بسته به ابتکار پژوهشگران فردی، دنبال می‌شد؛ برای نمونه، آلوین اشپرنگر که به‌خاطر نوشتن زندگی‌نامه حضرت محمد ﷺ شهرتی کسب کرده بود، ده سال از عمر خویش را به تصحیح متون گوناگون عربی در هندوستان گذراند. در این دوره، تصحیح و انتشار فهرستی موثق از کتب شیعی به قلم ابوجعفر طوسی با عنوان فهرست کتب الشیعه به‌کمک پژوهشگران شیعی هندوستان در سال ۱۸۵۳م از جمله این فعالیت‌ها به‌شمار می‌آید.

با این‌همه، ترجمه و شناسایی متون شیعی هرگز مورد توجه جدی نبوده است و این متون برای غربیان، ناشناخته مانده بود؛ برای نمونه، در مورد بحارالانوار تألیف علامه محمدباقر مجلسی در دوره صفوی، وقتی برای اولین بار توسط آلوارت در دیباچه نُسخ اصلی عربی خویش که در مالکیت آکادمی سلطنتی برلین قرار دارد، از آن نامی برده شد، «مجلسی» با «طالبی» مؤلف کتاب مشهور قصص الأنبياء اشتباه گرفته شده است! (همان)

۲. دوره دوم: مطالعات متوازن حداقلی با رویکرد سنتی متن‌گرا (۱۸۷۴-۱۹۷۹م)

دومین دوره متصور در جریان مطالعات غرب در حدیث شیعه، به دورانی برمی‌گردد که خاورشناس مجارستانی و اسلام‌شناس مشهور غرب، گلتسیهر^۴ (Ignaz Goldsiher)؛ (۱۸۵۰-۱۹۲۱م)، در اواخر قرن نوزدهم میلادی ظهور یافت و مطالعات گسترده‌ای را

درباره اسلام انجام داد. مطالعات وی در کنفرانس استراسبورگ به عنوان یک حادثه مهم و تاریخی در مطالعات مستقل درباره شیعه دوازده امامی پیگیری شد. نتیجه آن شد که اگرچه تا پیش از این خاورشناسان شیعه را در حاشیه مطالعات اسلامی خود می دیدند، در اواخر قرن بیستم و پیش از دوران پیروزی انقلاب اسلامی ایران، خاورشناس شیعه شناس امامی پژوه، اتان کُلبِگ، به صورت گسترده ای به مطالعه و تحقیق در مورد شیعه دوازده امامی پرداخت. این دوران که سرآغاز مهمی بر مطالعات حداقلی در حدیث شیعه است، حدود یک قرن به طول انجامید.

۲-۱. گلتسیهر: پیدایش جریان تشکیک

اولین مطالعات غربیان در حدیث شیعه را می توان به دورانی برگرداند که کسانی چون گلتسیهر می زیستند. او جزو نخستین محققانی است که به حدیث شیعی توجه نمود. هرچند شیعه پژوهی شاخه اصلی مطالعات وی نبود، در زندگی خود علاقه خاصی به این موضوع نشان داده، مطالعات شیعه شناسی اش دست کم مبتنی بر ادبیات و پژوهش های حدیثی است. پابرجا بودن بیشتر نظریات او تا به امروز میزان دانش و بینش او را می رساند.^۵

انتشار مقاله ای بلند در خصوص مجادلات و مباحثات بین تسنن و تشیع در سال ۱۸۷۴م، یعنی زمانی که او بیش از ۲۴ سال نداشت، آغاز کار او به شمار می آمد. به دنبال آن، مقالات دیگری از او در رابطه با مسائل و موضوعات ویژه تشیع، از جمله «الفاظ موهن و خفت باری که شیعیان در مورد اولین خلفا به کار می بردند»، «نظریه تقیه» و «تمایز بین امام ناطق و امام صامت» منتشر شدند. (Kohlberg-A, 1987) موضوعات و مطالب نگارش شده توسط گلتسیهر بیشتر ناظر به مطالعات اسلامی و حدیثی به معنای عام آن بوده است. با این حال، وی در مطالعات خود بیش از همه به حدیث اهل تسنن پرداخته و در مورد حدیث شیعی تنها از باب مصداق گزینی و اشاره، نکته ای را مطرح کرده است. کُلبِگ معتقد است که گلتسیهر تمام تلاش خود را کرد تا به منابع کلاسیک شیعی و اصلی حدیثی آنان دست یابد، اما ظاهراً فقط توانسته به دو جلد از کافی دسترسی داشته باشد. به باور وی، گلتسیهر در کنار مطالعات سنّی، به مطالعات شیعی به صورتی «متوازن» و تا حدّ نیاز و دسترسی به منابع شیعی پرداخته

است. (همان)

به جرئت می‌توان گفت که نتایج محوری پژوهش‌های وی تمامی جریان‌های حدیث پژوهی در بین مسلمانان و غیرمسلمانان را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. گلتسیهر نظام سیاسی، اجتماعی و قضایی اسلام را در متون اسلامی بررسی کرد و از آنجا که به قرآن و حدیث به مثابه منابع اصیل فرهنگ و تمدن اسلامی می‌نگریست، مطالعه خود را بر این دو منبع متمرکز ساخت. البته خود وی هرگز به اصالت این منابع اعتراف نکرد و اتفاقاً همه تلاش‌های علمی و هوشمندانه خود را به کار گرفت تا اعتبار و اصالت آن‌ها را مورد نقد و تشکیک جدی قرار دهد. این جریان که به گفته برخی (نک: پارسا، ۱۳۸۸ش، ص ۱۶) آغازی بود بر «مطالعات حدیث‌شناختی با رویکرد شکاکانه»، بعدها توسط برخی چون ساخت مورد حمایت و توسط برخی مانند نایبا ابوت (Nabia Abbott؛ ۱۸۹۷-۱۹۸۱م)، فؤاد سزگین (Faut Sezgin؛ متولد ۱۹۲۴م)، محمد مصطفی اعظمی (M.M. Azami؛ متولد ۱۹۳۰م) و یوهان فوک (Johhan Fuck؛ ۱۸۹۴-۱۹۷۴م) مورد نقد قرار گرفت. (برای تفصیل نک: همان، ص ۱۶-۲۴)

اینکه جریان تشکیک در متون روایی از سوی گلتسیهر بر متون شیعی هم وجود داشته است یا خیر، به نظر می‌رسد به صورت خاص شیعه مطرح نبوده، بلکه وی به جریان‌شناسی حدیث اسلامی و مطالعات اسلام‌شناسی نظر داشته است و می‌توان گفت این رویکرد، در همان مقدار اندکی که او از متون شیعی استفاده کرده و در دسترسش بوده، در کنار متون سنی وجود داشته است. از این رو، اولاً گلتسیهر به عنوان مهم‌ترین شخصیت آغازگر مطالعات علمی در حدیث شیعه (گرچه به مقدار کم) شناخته می‌شود، که شیوه و روش کاربست مباحث وی بر مطالعات بعدی غربیان تأثیر گذاشت، و ثانیاً جریان تشکیک‌گرایی وی در متون روایی به صورت عام در حدیث ساری بوده، هرچند به صورت خاص، متون شیعی را از متون سنی متمایز نساخته است. (برای آشنایی بیشتر با دیدگاه‌های گلتسیهر نک: پارسا، ۱۳۸۸ش؛ موتسکی، ۱۳۸۹ش؛ شینی میرزا، ۱۳۸۵ش)

۲-۲. کنفرانس استراسبورگ: سرآغاز توجه ویژه به شیعه دوازده‌امامی

این وضعیت به ظاهر تا نیمه دوم قرن نوزدهم ادامه داشت تا اینکه در این زمان کنفرانسی برگزار شد که به صورت خاص به شیعه، آن‌هم از جنس «دوازده‌امامی»

پرداخت. کنفرانسی که در سال ۱۹۶۸م در استراسبورگ برگزار شد، به «کنفرانس استراسبورگ» شهرت یافت و دو تن از شیعیان با نام‌های «سید حسین نصر» از تهران که به واسطه آثار متعدد خود در زمینه تشیع و صوفیگری شهرت یافته بود و «امام موسی صدر»، رهبر شیعیان لبنان، که مقاله‌ای به زبان عربی درباره وضعیت امروز جوامع شیعی لبنان و سوریه قرائت کرد، حضور داشتند. خلاصه مقاله او به زبان فرانسه که امام موسی صدر وعده‌اش را داده بود، هرگز به دست ناشران نرسید و لذا در چکیده مقالات منتشرشده این کنفرانس، نامی از آن برده نشده است. با این حال، شرکت آنان در کنفرانس استراسبورگ نمایانگر مرحله جدیدی در مباحثات دوره‌ای بین پژوهشگران غربی و همتای شیعی آنان به شمار می‌رود. (Kohlberg-A, 1987)

گرچه به تصریح کُلبِرگ، کنفرانس استراسبورگ حادثه‌ای استثنایی محسوب می‌شود، حقیقت آن است که با وجود آنکه پیشرفت‌های عمده‌ای در دهه بعد به عمل آمد، تشیع در بین مطالعات اسلامی از اهمیت زیادی برخوردار نشد، تا زمانی که انقلاب ایران، همگان را وادار کرد تا نگاهی تازه به این مذهب بیفکنند. این مطلبی است که کُلبِرگ در چند نوشتار خود بدان تأکید می‌کند. (Ibid, 1991 نک:)

عمده کسانی که در ابتدا به موضوعات حدیثی علاقه نشان داده‌اند، از منظر مطالعات حدیثی اهل تسنن و در خلال آن مباحث بوده است که گریزی بر حدیث شیعه داشته، برخی برای استشهاد یا تنها به اشاره‌ای اکتفا کرده‌اند. یکی از محققانی که در اواخر این دوره بسیاری از مقالاتش را می‌بینیم، ام. جی. قسطنطین (۱۹۱۴-۲۰۱۰م) است. وی بیشتر به مطالعات مرتبط با تاریخ، به‌ویژه تاریخ اسلام و سنت پیامبر ﷺ پرداخته است. با این همه، در برخی از نوشته‌های خود از حدیث شیعه نیز بهره برده است؛ مانند مقاله «بسته‌ای از گوشت: بررسی یک حدیث در صدر اسلام» به سال ۱۹۷۰م، که در پایان مباحث خود به‌اندازه فقط دو پاراگراف به مواجهه دو تن از علمای شیعه (ابن طاووس و علامه صفار) با این روایت و عدم پذیرفتن آن توسط آنان اشاره می‌کند. (Kister, 1970, p.274) نمونه دیگر، مقاله «بر لوح وهب بن منبه» او به سال ۱۹۷۴م هست که به بررسی برخی از موارد از قلم افتاده در خصوص تصحیح صورت گرفته از سوی خوری (R. G. Khoury) بر بقایای به‌دست‌رسیده از سیره وهب

بن منبّه می‌پردازد؛ که در چند مورد، از روایات شیعی و سنی در کنار هم یاد کرده، تقابل بین آن‌ها را نشان می‌دهد و نیز داستان‌های منقول از شیعه و سنی را در کنار یکدیگر ذکر می‌کند. اشاره وی به شیعه و روایات آن در این مقاله تا حدودی مفصل‌تر است؛ با این‌همه، تحت‌الشعاع مطالعه وی از کتب اهل تسنن و تاریخ اسلام منقول از علمای سنی است. (نک: Kister, 1974, p.557, 560, 563 & 566-571)

۲-۳. اتان کُلبِرگ: آغاز مطالعات مستقل در حدیث شیعه

در همین زمان است که اتان کُلبِرگ به‌عنوان یک امامی‌پژوه شاخص در حوزه مطالعات شیعی ظهور می‌کند. برخی وی را سرشاخه مطالعات غرب در حدیث شیعی نامیده، تمامی محققان و پژوهندگان پسین را دنباله‌رو او دانسته‌اند. (نک: موتسکی، ۱۳۸۹ش، ص ۴۱) البته این نکته تا حدودی اغراق‌گونه است؛ چراکه هرچند وی از نظر آغازگری بر این پژوهش‌ها و صرف تلاش بسیار در رواج این‌گونه مطالعات در غرب از جایگاهی بس مهم و محوری برخوردار است، به‌لحاظ نوع پژوهش‌هایی که انجام داده، با بسیاری از پژوهش‌های دیگر غربی، به‌ویژه در سال‌های اخیر، هم از نظر روشی و هم از نظر رویکردی، تفاوت دارد.

وی در سال‌های پیروزی انقلاب اسلامی و در آستانه این انقلاب عظیم، سه اثر ویژه منتشر می‌کند که به حدیث شیعه اثناعشری توجه دارد. این آثار را می‌توان اولین پژوهش‌های مستقل در این حوزه نامید؛ یکی از آن‌ها مقاله «یک اسناد غیرمعمول شیعی» است که در سال ۱۹۷۵م به نگارش درآورده، در آن بحثی چالشی و مستقل در باب رجال و سند روایتی از امامیه ارائه کرده است. وی با توجه به عقیده شیعه درباره امام علیه السلام و جایگاه امامت، نقل روایت امام علیه السلام از مردم عادی را امری شاذ و غیرمعمول دانسته است. از این رو، نقل امام باقر علیه السلام از جابر بن عبدالله انصاری، یک اسناد غیرمعمول شیعی است که در اینجا مورد بحث قرار گرفته است. (Kohlberg, 1975-B, p.142) مقاله دیگر، «برخی نظرات شیعه امامیه در تقیه» است که آن نیز در ۱۹۷۵م به نگارش درآمد. در این مقاله نیز به‌صورت مشخص از روایات شیعی با رویکرد تقیه یاد می‌کند. (Ibid, 1975-A) اثر سوم، مقاله چالش‌برانگیز و مهم وی با عنوان «از امامیه تا اثناعشریه» است که در آستانه پیروزی انقلاب در سال ۱۹۷۶م منتشر می‌شود. این

نوشتار به صورت مشخص به برخورد علمای امامیه در قبال مسئله غیبت و موضوع اثنا عشری در روایات و نیز طرح مباحثی چون واقفه می پردازد. (Ibid, 1976)

در ابتدا حتی همین توجه کم هم وجود نداشت، تا اینکه بعدها معرفی شیعه و احادیث آن کمی بهبود یافت. البته این اشاره در خصوص «اسماعیلیه» بیش از «دوازده امامی» بوده است. نیومن ضمن تصریح بر این مسئله، با اشاره به آثاری از رابسون (Robson)، یُئبل (G.H.A. Juynboll) و بارتن در باب حدیث شیعه، متذکر می شود که به جز اثر رابسون که از کتب / ربعه نام برده، هر چند آن ها را به عنوان مجموعه های روایی خاص دوازده امامی متمایز نکرده است، دیگران هیچ اشاره ای به احادیث شیعه دوازده امامی نداشته اند. (Newman, 2000, XIII)

غالباً محققان غربی که درباره اسلام پژوهش می کنند، بر روی اسلام سنی و منابع آن تمرکز و تأکید دارند. با این حال، این رویکرد در سال های اخیر و به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران تغییر کرده است. به گفته کُبرگ، تحولات ایران و به خصوص انقلاب اسلامی امام خمینی، اقتضای آن را دارد که جهانیان بررسی های خود را بر روی اسلام شیعی متمرکز کنند. کُبرگ تصریح دارد که محققان غربی غالباً از بررسی اسلام شیعی چشم پوشی کرده و در مواردی نیز که به تحقیق پرداخته اند، رفتار برداشت نادرست شده اند. اکنون دیگر، اهمیت بررسی مستقل تشیع بر همگان آشکار شده است. هر چند شیعیان تنها ده درصد جمعیت مسلمانان را تشکیل می دهند و همواره در اقلیت بوده اند، به شاخه مستقلی از دین اسلام هویت می بخشند و همیشه نقش مهمی در تاریخ مسلمانان ایفا کرده اند. (Kohlberg, 1991, p.1)

بدین ترتیب می توان گفت در این دوره، یعنی تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹م، تلاش های انجام شده به صورت بسیار کم و پراکنده، آن هم از باب مصداق یابی، مطالعات تطبیقی و شناسایی بوده است. این تلاش به ویژه پس از کنفرانس استراسبورگ شدت گرفته است. رویکردی که در این دوره متصور است، رویکردی سنتی مبتنی بر متون در دسترس و بسیار حداقلی از شیعه، به ویژه شیعه امامیه است. این رویکرد را می توان به سنتی متن گرا مبتنی بر مطالعات پراکنده و در توازن با مطالعات سنی نامید. رویکرد آنان سنتی بود، چون متن روایات سنی را به گونه ای

ادبیاتی و نه محتوای دربردارنده عقاید، فرهنگ، آداب و رسوم و... نگاه می‌کردند و متوازن بود، و در گوشه‌ای از مطالعات مبتنی بر اسلام سنی، نگاه اندکی نیز به روایات شیعی داشتند، بدون آنکه بر تفاوت‌های اساسی میان این دو گروه حساس شوند. این رویکرد با نگاه تنها متن‌محور کتب و ادبیات حدیثی مسلمانان سنی و نه شیعه، تا پیش از سال‌های پیروزی انقلاب اسلامی ایران وجود داشته است؛ تا آنجا که می‌توان ادعا نمود تا نزدیک به این دوران، هیچ اثر نه تنها مستقل بلکه با اشاره تقریباً مفصل در اندازه حتی چند صفحه، بر حدیث شیعه نوشته نشده است، بلکه تنها در سال‌های نزدیک به پیروزی، معدود آثاری از سوی گلبرگ به صورت مستقل به نگارش درآمد، که ذکرشان رفت.^۷

۳. دوره سوم: مطالعات مستقل حدیث‌پژوهی امامیه با رویکرد توجه به ساختارهای درونی شیعه (۱۹۷۹-۲۰۰۰م)

در دوران پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹م و اندکی قبل از آن، به شکل محسوسی شاهد پدید آمدن نوشته‌های مستقلی در حدیث شیعه و تغییر از «نادیده انگاشتن شیعه به‌ویژه شیعه امامی» به «مطالعه و تحقیق درباره آن» به‌عنوان یک گروه عقیدتی - سیاسی هستیم؛ بدین معنا که هرچند تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران هیچ نوشتار مستقل و مفصلی در حدیث شیعه و نیز در باب امامیه منتشر نشد، در این سال‌ها بود که به جهت این انقلاب عظیم و تأثیری که آن بر پایان دادن به سلطه استعماری غرب و شرق گذاشت، توجه همگان به‌ویژه پژوهشیان غرب را به خود معطوف ساخت. مطالعه اجمالی در عناوین و موضوعات نگارش شده در سال‌های بین پیروزی (۱۹۷۹م) تا دو دهه پس از پیروزی (تا ۲۰۰۰م) نشان از چرخش موضوعات و مطالعات در پژوهش‌های غربیان درباره حدیث شیعه است. این موضوعات را که بیشتر با شناخت اصول و اعتقادات شیعه، به‌ویژه شیعه صاحب حکومت در ایران مرتبط است، می‌توان در طول این دو دهه به چند قسم تقسیم کرد.

۳-۱. شیعه امامی به مثابه یک جریان سیاسی - فقهی

در آستانه پیروزی انقلاب مطالعاتی انجام شد که بیشتر به موضوع جهاد، اثناعشریه و ولایت فقیه می‌پرداختند. غربیان که به حکومت شیعی ایران به‌عنوان یک حکومت

امامی مبتنی بر فقه سیاسی و اندیشه‌های رهبرگونه امام خمینی در باب ولایت فقیه و پیوند بین سیاست و فقه نگاه می‌کردند، به نگارش مقالات و نوشته‌هایی در ابعاد مختلف این نوع از اندیشه شیعی پرداختند. مقالاتی چون «تکامل اندیشه جهاد در عقائد شیعیان امامی» از اتان کُلبِری که در آستانه پیروزی انقلاب در سال ۱۹۷۶م منتشر شد^۸ و نوشتاری از نورمن کالدِر با عنوان «وثاقت فقهی (قضایی) فقه شیعه امامیه»، یک سال پس از پیروزی انقلاب در سال ۱۹۸۰م از این دست‌اند. همچنین مقاله «از امامیه تا اثنا عشریه» از کُلبِری که پیش از این از آن سخن گفتیم، نمونه خوب دیگری است که بر شناسایی خاستگاه عقیدتی اثنا عشریه اشاره دارد. در واقع، آغازگران نگارش آثار مفصل و مستقل در حدیث شیعه را می‌توان اتان کُلبِری و نورمن کالدِر فقید نامید. کُلبِری با تاسی از هم‌قطاران خود همچون قسطنطین، مقالات بسیاری را در فاصله سال‌های پیروزی نگاشت.

۲-۳. شیعه امامی در مقابل اهل جماعت (سنّی)

پس از پیروزی انقلاب، مباحث به صورت چشمگیری به موضوعات چالش‌برانگیز میان شیعه و سنّی و نیز تحلیل‌های تاریخی در خاستگاه، عقاید و تاریخ شیعه تغییر می‌کند؛ برای نمونه، نگارش‌های مقاله‌ای «ابوتراب»^{۱۰} در ۱۹۷۸م، «اصطلاح رافضه در کاربرد شیعه امامیه»^{۱۱} و «اصطلاح محدث در شیعه اثنا عشری»^{۱۲} در ۱۹۷۹م، «برخی نظریات شیعه امامیه درباره صحابه»^{۱۳} در ۱۹۸۴م از کُلبِری از این قبیل مطالعات می‌باشند. نگاهی به عناوین برخی دیگر از این آثار، بیشتر این موضع را نشان می‌دهد:

- اتان کُلبِری، «اخباریه»، ۱۹۸۴م.^{۱۴}
- مک اوین، «جنبه‌های ستیزه‌جویی و تسلیم در شیعه امامی»، ۱۹۸۴م.^{۱۵}
- اتان کُلبِری، «جایگاه ولدالزنا در شیعه امامیه»، ۱۹۸۵م.^{۱۶}
- اتان کُلبِری، «مسلمانان غیر امامی در فقه امامی»، ۱۹۸۵م.^{۱۷}
- اتان کُلبِری، «برائت در دکتربین شیعه»، ۱۹۸۶م.^{۱۸}
- مو شارون، «اهل البیت، اهل خانه»، ۱۹۸۶م.^{۱۹}
- محمد ایوب، «تقدیر الهی و امید بشر: مطالعه‌ای در مفهوم بداء در حدیث شیعه امامیه»، ۱۹۸۶م.^{۲۰}

- اتان گُلبِزگ، «جنبه‌هایی از اندیشه اخباری در قرون هفدهم و هجدهم میلادی»، ۱۹۸۷م.^{۲۱}

- امّ موسی، شیعیان افراطی: غالیان، ۱۹۸۸م.^{۲۲}

- وی بی مورین، «سلمان فارسی و یهود: یک حدیث شیعی ضد یهودی از قرن هفدهم میلادی»، ۱۹۹۰م.^{۲۳}

- آندرو نیومن، «مباحث اخباری / اصولی در اواخر دوره ایران صفوی؛ بخش اول: عبدالله سماهیجی و کتاب منیة الممیرسین»، ۱۹۹۲م.^{۲۴}

- آندرو نیومن، «مباحث اخباری / اصولی در اواخر دوره ایران صفوی؛ بخش دوم: نزاع مجدد»، ۱۹۹۲م.^{۲۵}

از میان مباحث فوق شاید در نگاه نخست مبحث اخباری و اصولی را از دیگر مباحث متمایز ببینیم؛ اما حقیقت آن است که از نظر حصول نتیجه و نیز پرداختن به مباحثی نظیر مشاجره بین عقل و سنت در این گونه مطالعات شبیه مباحث دیگر است. به‌واقع، افرادی چون نیومن مطالعات نظام‌مندی را شکل دادند که به‌صورت یک سلسله مطالعات در خور توجه در دنیای غرب درآمدند. این مطالعات حتی در سال‌های بعد بهتر هم شد.

و اما، بحث و بررسی در تاریخ شیعه و مقایسه آن با عقاید و نظریات دیگر فرّاق مانند سنی، در موضوعات دیگری چون عقیده مهدی متظر و غیبت امام عصر ع صورت می‌گیرد؛ برای نمونه، از گُلبِزگ، مقاله «برخی نظرات شیعه امامیه درباره جهان پس از طوفان نوح»^{۲۶} در ۱۹۸۰م، از یوری روبین، مقاله «پیامبران و اجداد در حدیث نخستین شیعه»^{۲۷} در ۱۹۷۹م و از عبدالعزیز ساچدینا، کتاب منجی اسلامی: نظریه مهدی در شیعه امامیه^{۲۸} در ۱۹۸۱م را شاهد هستیم. ضمن اینکه کالدِر و محمد ایوب درباره امام مهدی ع و ساچدینا نیز مقالاتی در همان سال نگاشتند. (نک: حسن نیا، ۱۳۹۴ش، بند ۲-۱-۴)

در حقیقت، آنان با این‌گونه تحقیقات، از یک سو به مطالعه و شناخت هرچه بیشتر شیعه‌ای می‌پردازند که صاحب کرسی حکومت در سرزمینی از مشرق‌زمین شده و مدعی دین و مذهبی راستین و حکومتی برحق است، و از سوی دیگر در شناخت

شیعه اثناعشری در جهان اسلام، آن را در مقابل رقیبی به نام سنی می بینند که بایسته است در این تقابل، مبانی و اصول چالشی آن مورد بررسی قرار گیرد. نکته جالب در این زمان اینکه عناوین مطالعات غربیان کم رنگ و بوی امامیه و اثناعشریه به خود گرفته، واژه هایی چون «حدیث شیعه» یا «فقه امامی» به صورت مکرر در مقالات خودنمایی می کنند. این موضوع در سال های پسین حتی پررنگ تر شده، به صورت خاص بر حدیث شیعه امامی متمرکز می شود.

۳-۳. توجه به مکتوبات حدیثی مهم شیعه

بررسی، نقد و نظر در خصوص مکتوبات روایی شیعه در فاصله چند سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران شروع شد. البته این بررسی ها فقط به چند کتاب اصلی و مهم محدود شد؛ دو کتاب مهم *نهج البلاغه* و *صحیفه سجادیه* که هر یک در بردارنده روایات و گفتارهایی از دو امام شیعی، امام علی علیه السلام و امام سجاده علیه السلام است، مورد توجه اولین پژوهش ها در این حوزه بودند. در سال ۱۹۷۹م (یعنی در سال پیروزی انقلاب)، *نهج البلاغه* مورد مطالعه انتقادی در یک رساله دکتری توسط سید محمد وارث حسن قرار گرفت^{۲۹} و در سال ۱۹۸۸م، ویلیام چیتیک در مقدمه ای که بر ترجمه اش از *صحیفه سجادیه* نوشت،^{۳۰} به بررسی زندگانی امام سجاده علیه السلام و اهمیت و جایگاه این کتاب پرداخت.

پس از این دو کتاب، مهم ترین آثاری که در این سال ها مورد بررسی قرار گرفتند، در ابتدا اصول چهارصدگانه شیعه بود که در مقاله «اصول أربع مائه»^{۳۱} از کُلبِ رگ در سال ۱۹۸۷م. به صورت مفصل نقد و بررسی شد و سپس مقاله ای دیگر از کُلبِ رگ در سال ۱۹۸۹م با عنوان «بحار الأنوار»^{۳۲} منتشر گردید. همچنین، دو اثر مهم و تأثیرگذار با عناوین «صفار قمی و کتاب بصائر الدرجات»^{۳۳} در سال ۱۹۹۲م از محمدعلی امیرمعزی و اثر یک دانشمند مسلمان دوره میانه: *ابن طاووس و کتابخانه وی*^{۳۴} در سال ۱۹۹۲م از کُلبِ رگ، از جمله آثاری اند که به صورت خاص بر منابع و میراث مکتوب شیعی متمرکز شده، مباحثی از حدیث را در خود آورده اند.

این ها تنها نمونه هایی از فعالیت های انجام شده در این حوزه اند. می توان مقالات متعددی را که در دایرة المعارف های مختلف همچون *ایرانیکا* نگاشته شده اند، نیز بر این

عناوین افزود. برای نمونه، به موارد ذیل اشاره می‌شود:

- کُلبرگ، «متون مقدس معتبر نزد شیعه امامی نخستین»، ۱۹۹۳ م.^{۳۵}

- اتان کُلبرگ، «الذریعه إلى تصانیف الشيعة»، ۱۹۹۴ م.^{۳۶}

- اسماء افسرالدین، «نگاهی به روش‌شناسی حدیثی جمال‌الدین احمد بن طاووس»، ۱۹۹۵ م.^{۳۷}

۴-۳. نگارش اولین پژوهش جامع در حدیث شیعه

در سال ۱۹۸۳ م، اتان کُلبرگ اولین پژوهش مستقل و جامع را در باب حدیث شیعه نگاشت. (Kohlberg, 1983-A/B) این مطالعه به قطع اولین مطالعه صورت‌گرفته در این باب به شمار می‌رود که منحصرأ زوایای روایات شیعی را برکاویده است. در همین سال‌ها، برخی پژوهش‌ها به تشریح و گزارش فعالیت‌های غربیان در این عرصه پرداختند، برخی به صورت کلی به حدیث و برخی به شیعه نظر داشته‌اند؛ مانند:

- منور احمد انیس و آثار آلیا ان، *راهنمایی بر مکتوبات سیره و حدیث در زبان‌های غربی*، ۱۹۸۶ م.^{۳۸}

- اتان کُلبرگ، «مطالعات غربیان درباره اسلام شیعی»، ۱۹۸۷ م. (Ibid, 1987)

- اتان کُلبرگ، *عقیده و فقه در شیعه امامی*، ۱۹۹۱ م.^{۳۹}

هریک از مطالعات مذکور، دربردارنده مجموعه‌ای از مقالات و تحقیقات است که توسط خاورشناسان در سال‌های پیشین نگاشته شده‌اند. سرویراستاران این مجموعه‌ها، هر یک به ذوق و سلیقه، موضوعی را برگزیده و در مجموعه‌ای گرد آورده‌اند. جالب اینکه در هر سه مجموعه فوق، مبحث حدیث شیعه به صورت مستقل ذکر شده، شامل برخی از مطالعات و تحقیقات انجام‌شده در حدیث شیعه به صورت عام و شیعه اثناعشری به صورت خاص می‌شوند.

۵-۳. آغاز مطالعات تخصصی

در این دوره می‌توان از مقالات تخصصی و موردی در حدیث شیعه یاد کرد. مقالات و کتبی که با نگاه تخصصی به حدیث شیعی، نقطه‌ای از تاریخ حدیثی شیعه را برکاویده‌اند. منظور از مطالعات تخصصی، آن دسته از مطالعاتی هستند که به صورت آکادمیک و نظام‌مند توسط یک پژوهشگر انجام شده، در سلسله‌ای از مباحث، مقالات

و کتب وی پدیدار شده است. در حقیقت، تفاوت این نگاشته‌ها با قبلی‌ها در این است که در سال‌های قبل، عمده نوشته‌ها از روی ذوق و با نگاه شناخت شیعه دوازده‌امامی نگاشته شده‌اند؛ بدین معنا که برای نمونه اگر پژوهشی درباره نهج البلاغه یا صحیفه سجادیه و یا در خصوص یکی از کتب روایی انجام گرفته، در اکثر موارد به صورت پراکنده و موردی صورت گرفته و مؤلف آن در سلسله یک جریان پژوهشی و منظم دانشگاهی به آن مبادرت نورزیده است. ضمن آنکه مبحث حدیث پژوهی به صورت خاص در اکثر آن نوشته‌ها مورد توجه کامل و تام نبوده است. اما از سوی دیگر، پژوهش‌های نظام‌مند دانشگاهی مانند آنچه گلبرگ انجام داده است، یا پژوهش‌هایی که در دانشگاه‌های انگلیس توسط گلیو، نیومن و لالانی انجام شدند، در یک فرایند روشمند و منظم دانشگاهی و متمرکز بر روایات صورت گرفته‌اند.

عمده این نوشته‌ها در دهه آخر قرن بیستم میلادی انجام شده‌اند؛ که به شرح ذیل می‌باشند:

- بتول اصفهانی (مترجم) و آندرو نیومن (ویراستار)، «حکمت پزشکی اسلامی: طب الأئمه»، ۱۹۹۱ م.^{۴۰}
- دس کرو، «نقش عقل در حکمت صدر اسلام با توجه به حدیث جعفر صادق (ع)»، ۱۹۹۶ م.^{۴۱}
- رونالد پی باکلی، «غلات نخستین شیعه»، ۱۹۹۷ م.^{۴۲}
- محمدعلی امیرمعزی، «نکاتی در مورد صحت معیار حدیث و مرجعیت فقیه در شیعه امامیه»، ۱۹۹۷ م.^{۴۳}
- رونالد پی باکلی، «خاستگاه حدیث شیعه»، ۱۹۹۸ م.^{۴۴}
- ریون فایرستون، «جنبه‌های تفسیر فراتاریخی شیعه از داستان قربانی ابراهیم (ع) در مقایسه با نگره یهود، مسیحیت و احادیث اهل سنت»، ۱۹۹۸ م.^{۴۵}
- رونالد پی باکلی، «جعفرالصادق به‌عنوان منبعی از روایات شیعی»، ۱۹۹۹ م.^{۴۶}
- اتان گلبرگ، «فضل بن شاذان نیشابوری از دی، ابو محمد»، ۱۹۹۹ م.^{۴۷}
- آندرو نیومن، «مفاهیم روحانی اعمال صوفی در اواخر قرن هفتم ایران، استدلال‌هایی بر اجازه غنا»، ۱۹۹۹ م.^{۴۸}

- آندرو نیومن، «صوفی و ضد صوفی در ایران دوره صفویه: بازبینی استنادی کتاب حقیقة الشیعه»، ۱۹۹۹م.^{۴۹}

در نمونه‌های فوق، پژوهش‌های افرادی چون باکلی که به صورت خاص به جریان روایی دوران امام صادق علیه السلام پرداخته، و نیز نوشته‌های نیومن و کُلبِرج به صورت برجسته‌ای بر این نظام حدقلی در پژوهش‌های روایی اشاره دارند. نکته قابل توجه، ظهور امیرمعزی در فاصله این سال‌ها و توجه وی به حدیث شیعه است. (نک: حسن‌نیا، ۱۳۹۴، فصل چهارم)

در مجموع اینکه تألیف نوشته‌های این‌چنینی که هرکدام به روایتی، واژه‌ای، بحثی مستقل و موردی خاص از شیعه پرداخته است، تا حدود سال ۲۰۰۰م ادامه یافت. بررسی مجموعه آثار این دوره نشان می‌دهد که نویسندگان آنان پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به صورت فزاینده‌ای به مقولات و بحث‌های شیعه از خلال مجموعه روایی آن‌ها علاقه‌مند شده‌اند. رویکرد غالب متصور در این دوره به بحث‌های عقلانی شیعه و شناخت عقاید و اصول آن از لابه‌لای متون روایی گرایش پیدا کرده است. لذا به نظر می‌رسد این دوره را بتوان به‌عنوان یک دوره جدید در مطالعات حدیثی شیعه نام‌گذاری کرد؛ دوره‌ای که نیومن از پژوهندگان آن به «نوگرایان» یاد کرده، معتقد است که پس از «سنت‌گرایان» به‌عنوان گروه اول و پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، این «نوگرایان» بودند که به دنبال تعیین لوازم و پیامدهای عملی و غالباً سیاسی این اعتقادات بوده‌اند. «نوگرایان» به تحقیق درباره مسائل مربوط به اقتدار روحانیت و مشروعیت سیاسی دولت پرداخته، ویژگی‌های تشیع را به‌طور عام و تجربه ایران پس از پیروزی را به‌طور خاص بررسی کرده‌اند. (نک: نیومن، ۱۳۸۶ش، ص ۷۱-۷۳)

۴. دوره چهارم: مطالعات تخصصی نظام‌مند با رویکرد شناخت عمیق شیعه (۲۰۰۰م تاکنون)

در سال‌های آغازین سده بیست و یکم میلادی، شاهد ظهور چندین اثر خاص، تخصصی و نظام‌مند در حدیث شیعه، آن‌هم از جنس شیعه دوازده‌امامی هستیم که به صورت سلسه مباحث تخصصی و اثرگذار بر مطالعات بعدی به وجود آمدند. آثاری که جدی‌ترین آثار تخصصی علمی در این زمینه به شمار می‌آیند و ورای موضوعات کلیشه‌ای و بحث‌های

پیشین در مشروعیت دادن یا ندادن به نظام شیعی ایرانی، مباحثی مستقل و خاص در موضوعات تخصصی و با روش و رویکردی کاملاً علمی پدیدار ساختند. البته این بدین معنا نیست که آنان از پیشینیان و پژوهش‌های امثال کُلبُگ تاسی نجستند، بلکه به صورت تخصصی به موضوعی پرداخته، راه را بر مطالعات نظام‌مند بعدی باز کردند. مطالعات انجام‌شده در این دوره را نیز می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

۴-۱. تاریخ حدیث و مباحث جدید تخصصی

در سال ۲۰۰۰ م، دو اثر بسیار مهم و اثرگذار و به‌واقع، از جنسی متفاوت از آرزینا لالانی و آندرو نیومن، دریچه‌ای تازه بر این مطالعات گشود. لالانی با نگارش کتاب *نخستین اندیشه‌های شیعی: تعالیم امام محمد باقر (ع)* (Lalani, Arzina R., 2000)، که به حیات، روایات و دوران امام باقر (ع) توجه دارد و نیومن با نگارش کتاب *دوره شکل‌گیری تشیع دوازده‌امامی: گفتمان حدیث میان قم و بغداد* (Newman, 2000)، که اولین اثر جامع در باب روایات جوامع نخستین شیعه دوازده‌امامی است، رویکردی نو را در مطالعات حدیثی شیعه بنیان نهادند. در حقیقت، نیومن با نگارش این اثر، مطالعه تخصصی اصول کافی و سه کتاب دیگر از شیعه را مورد توجه قرار داد که نمونه بسیار خوبی برای دیگر مطالعات نظام‌مند در این عرصه در سال‌های پسین شد.

روش هر دوی آن‌ها بر مطالعه تاریخی و تطبیقی مبتنی بود؛ نیومن با تطبیق نمونه روایاتی از چند کتب روایی شیعی با یکدیگر و برکاویدن زوایای تاریخی و شرایط اجتماعی دوران نگارش آن کتب، و لالانی با نگاهی تاریخی به دوران زندگی امام باقر (ع)، جریان‌های موجود، تفاوت بین راویان و گروه‌ها و مقایسه امام و یاران ایشان با دیگر گروه‌ها و رجال زمانه ایشان. نکته جالب توجه دیگر اینکه این دو اثر تقریباً اولین آثار تخصصی در این حوزه به شمار می‌روند که به صورت کتاب منتشر شده‌اند. در دوره‌های قبلی، اکثر آثار به صورت مقاله منتشر شده بودند و معدود آثاری هم که در قالب کتاب بوده، در این حوزه به صورت خاص و تخصصی ورود نداشته‌اند.

در همین سال است که کسانی چون بیوکارا به مباحث خاص واقفه در شیعه با نگارش مقاله «شیعه در حزب موسی‌الکاظم (ع) و پیدایش واقفه»^{۵۰} و ماهر جرّار با نوشتن مقاله «سیره اهل کساء؛ نخستین منابع شیعی درباره زندگی نامه پیامبر (ص)»^{۵۱}

پرداخته‌اند. در سال‌های بعد افرادی چون گلیو با نگارش مقاله «پیوند حدیث و فقه: مجموعه‌های رسمی اخبار امامیه»^{۵۲} در سال ۲۰۰۱م که به تاریخ حدیث شیعه با نگاهی تطبیقی در روایات اصول کافی و المقنعه شیخ مفید می‌پردازد، و کتاب اسلام متن‌گرا؛ تاریخ و دکتربین مدرسه شیعی اخباری^{۵۳} در سال ۲۰۰۷م که به زوایای خاص از تاریخ حدیث شیعه اهتمام می‌ورزد، و نیز کتاب خاستگاه‌های شیعه، هویت، مناسک و فضای مقدس در کوفه قرن هشتم (فصل: «کوفه و روایات کلاسیک شیعه نخستین») از نجم حیدر^{۵۴} در سال ۲۰۱۱م این مباحث را تخصصی‌تر هم کردند.

مطالعه خاص کتب حدیثی و مهم شیعی و زندگانی محدثان شیعه در این دوره دیده می‌شود. نمونه کاری نیومن و گلیو که در بالا ذکرشان آمد، از این دست‌اند. همچنین مقالات «کلینی و کافی: نخستین گزیده‌های حدیثی شیعه دوازده‌امامی: گزیده‌هایی از اصول من الکافی» در سال ۲۰۰۰م^{۵۵}، «دانش پژوهی شیعه دوازده‌امامی و حاکمیت آل بویه: نگاهی به دوران و زندگی ابن بابویه، شیخ صدوق»^{۵۶}، «روابط حسنه و وفاداری در دوران آل بویه و اوایل سلجوقیان: زندگی و زمان محمد بن حسن الطوسی»^{۵۷} در سال ۲۰۰۱م، همگی از محمد اسماعیل مارسین کاوسکی، مقاله «وحی و تحریف، مقدمه کتاب القرائات السیاری»^{۵۸} از اتان کُلبُگ در ۲۰۰۵م، مقاله «یک حلقه حیات شیعی بر اساس کتاب المحاسن برقی»^{۵۹} از آر. ویلوزنی در سال ۲۰۰۷م، مقاله «محمد بن یعقوب کلینی و کتاب کافی»^{۶۰} از محمدعلی امیرمعزی و حسن انصاری در سال ۲۰۰۹م و مقاله «انعکاس کلام امامیه نخستین در کتاب الکافی»^{۶۱} از ویلفرد مادلونگ در سال ۲۰۱۳م، نمونه‌هایی دیگر در این باب به شمار می‌آیند.

توجه به کتب اصولی حدیث شیعه (اصول اربع‌مائه) نیز در همین راستا و با نگاهی به تاریخ‌گذاری روایات از سوی برخی صورت گرفت؛ محمدحسین مدرسی طباطبایی شاید اصلی‌ترین و مهم‌ترین کار را در این حوزه انجام داده باشد. وی با نگارش جلد اول از کتاب میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری^{۶۲} به بررسی منشأ روایات کتب پسین در اصول اولیه پرداخت. از دیگر نمونه‌ها می‌توان به مقاله «بررسی حدیث سفر: روشی برای تاریخ‌گذاری روایات»^{۶۳} از بهنام صادقی (استاد دانشگاه استنفورد) در سال ۲۰۰۹م اشاره کرد.

۲-۴. مبانی و اصول حدیثی شیعه

از جمله دیگر تألیفات این دوره می‌توان به آن دسته از تألیفاتی اشاره کرد که به اصول و مبانی شیعه توجه داشته‌اند، کاری که در آثار قبلی کمتر یا به ندرت دیده می‌شود؛ آثاری چون مقاله «صحت حدیث شیعه امامیه و ارزیابی ملاک‌های مرتبط با مرجعیت فقیه»^{۶۴} از محمدعلی امیرمعزی در سال ۲۰۰۳م، دو مقاله «اصول حدیث شیعه امامیه: مطالعه مجموعه‌های ناسره حدیثی شیعه امامیه (۱): ارزیابی روش شناسانه»^{۶۵} از بیوکارا در سال ۲۰۰۵م، مقاله «نقش حدیث به‌عنوان حافظه فرهنگی شیعه»^{۶۶} از رینر بروئر در سال ۲۰۰۵م که به بررسی خاص و ویژه بحار الانوار معطوف شده است، مقاله لیاقت تکیم در باب «منابع و ارزیابی‌های ناقلان حدیث در کتب رجال شیعه» در سال ۲۰۰۷م^{۶۷}، مقاله «ریخت‌شناسی و اهمیت برخی از روایات شیعه امامیه»^{۶۸} در سال ۲۰۰۷م، کتاب تحلیلی و ارزنده جاناناتان براون با عنوان میراث محمد در قرون وسطی و دنیای مدرن^{۶۹} در سال ۲۰۰۹م که بابت مستقل در حدیث شیعه دارد، و مقاله «معنای لغوی و تفسیر در فقه نخستین امامیه»^{۷۰} از روبرت گلیو در سال ۲۰۱۴م، همگی به اصول و مبانی حدیثی شیعه اشاره و تأکید دارند. در کتاب آخری به‌ویژه، نگاه تاریخی به حدیث شیعه آشکارتر از دیگر نوشته‌هاست.

۳-۴. آثار مجموعه‌ای

در سال‌های اخیر و نزدیک به ما، مطالعات گرچه به همان رویه تخصصی ادامه یافت، اما نگارش مجموعه‌هایی که دربردارنده مطالب و نوشته‌های خاورشناسان پیشین باشد، نیز صورت خاصی به خود گرفته است؛ مانند: مجموعه دو جلدی اسلام شیعی^{۷۱} از فرهاد دفتری در سال ۲۰۱۳م، که در جلد دوم، یک فصل مستقل با چند مقاله و به سرویراستاری اتان کُلبِریگ در باب حدیث شیعه دارد و از مقالات مهم آن، مقاله «مقدمه‌ای در حدیث شیعه» از کُلبِریگ است. همچنین کی کرو کتابی با عنوان کتاب‌شناسی حدیث شیعی: مقدمه^{۷۲} را در همین سال نگاشت که به بررسی کتاب‌های حدیثی شیعه پرداخته و البته نگاهی هم به تلاش‌های غربیان در این باب داشته است. این تألیفات از سویی نشان می‌دهد که تا چه اندازه تحقیق و پژوهش بر شیعه و روایات شیعی مهم و مورد توجه بوده، که منجر به تألیف مجموعه‌های نوشتاری آنان

شده است، و از سویی دیگر، این‌گونه آثار نوعی ارزیابی است بر اینکه تا چه میزان آثار پیشینیان در این حوزه کافی بوده است؛ برای نمونه، گلبرگ در مقاله خود که مقدمه‌ای است بر فصل حدیث شیعه در کتاب دفتری، از مجموعه تلاش‌ها، رویکردها و دیدگاه‌های مهم غربیان در حوزه حدیث شیعه و نیز شیعه امامی سخن گفته است. (Kohlberg, 2013, p.165-180)

۴-۴. مطالعات پراکنده و موردی

از سویی دیگر، در همین دوران شاهد ادامه روند مطالعات موردی، سلیقه‌ای و پراکنده در خصوص شیعه هستیم. مطالعاتی که همچون دوران قبل، به عقاید، اصول و مبانی شیعه دوازده‌امامی مانند جهاد، تقیه، بداء، عقل و اجتهاد، امامت و... و نیز مباحث پراکنده دیگر می‌پردازند. این نمونه‌ها بسیارند. نکته جالب توجه اینکه در این مطالعات، مباحثی هم مطرح می‌شوند که برای نمونه به یک موضوع موردی و ریز (مانند «الاغ پیامبر ﷺ در حدیث شیعه»^{۷۳} و «ملکه سبأ در حدیث شیعه»^{۷۴})، یک شخصیت خاص شیعی و روایی (مانند عبدالله بن سبأ)، و مباحث دیگر (مانند مقالات «خلقتی حتی بهتر: نقش آدم و حوا در روایات شیعه درباره فاطمه الزهراء»^{۷۵}، «در میان شهرهای برگزیده: تفلیس در حدیث شیعه»^{۷۶} و «روایات شیعی در مورد حضرت ابراهیم علیهِ السلام»^{۷۷}) می‌پردازند.

طرح مباحث جدیدتری چون منع و تدوین در حدیث شیعه نیز در سال‌های اخیر رواج یافته که البته نیازمند کارهای بیشتر و جدی‌تر در این حوزه است؛ برای نمونه، مقالات «منع و کتابت: نقل دانش دینی در تشیع نخستین»^{۷۸} از ماریا مسی دکاکه و «داستان قلم و کاغذ و تفسیر آن در مکتوبات مسلمانان و حدیث تاریخی»^{۷۹} از جی میسکیندوزا، هر دو در سال ۲۰۱۳م از این دست می‌باشند.

نتیجه‌گیری

۱. از مجموع مطالعات خاورشناسان در حدیث شیعه، و به‌ویژه در حدیث امامیه، از ابتدا تاکنون، چهار دوره را متصور هستیم: دوره اول مطالعات اندک درباره امام علی علیهِ السلام با رویکردی تبشیری بود. در دوره دوم شاهد مطالعات متوازن حدائقی با رویکرد سنتی متن‌گرا (۱۸۷۴-۱۹۷۹م) هستیم. در این دوره شاهد اولین مطالعات

حدیثی در شیعه هستیم که در نیمه دوم قرن بیستم به مطالعات دوازده امامی منجر می‌شود. کنفرانس استراسبورگ و ظهور گلتسیهر مجارستانی و نیز ظهور شخصیت‌هایی چون قسطنطین و کلبی، که به صورت ویژه کلبی در دوره بعد به عنوان یک رهبر، جریان مطالعات امامی در غرب را به دست گرفت، از اتفاقات مهم این دوران به شمار می‌رود. دوره سوم دوره مطالعات مستقل امامیه با رویکرد توجه به ساختارهای درونی شیعه (۱۹۷۹-۲۰۰۰م) است که غربیان بیشتر به شناخت اصول و اعتقادات شیعه، به ویژه شیعه صاحب حکومت در ایران پرداخته‌اند. این زمان را به نام «نوگرایان» نام‌گذاری می‌کنیم که پژوهندگان به دنبال تعیین لوازم و پیامدهای عملی و غالباً سیاسی اعتقادات خاص شیعه امامی حاکم در ایران اسلامی بوده‌اند. و بالاخره، دوره چهارم که آن را به مطالعات نظام‌مند و تخصصی با رویکرد شناخت عمیق امامیه (۲۰۰۰م تا اخیر) نام گذاشته‌ایم. به طبع، در هر یک از ادوار، نقاط عطف و مهمی را می‌تواند برکاوید که جریان مطالعات حدیثی در آن دوره و دوره‌های بعد را تحت تأثیر خود قرار داده است.

۲. اگرچه در سال‌های اخیر، این آثار به تخصصی شدن و واکاوی زوایای خاص روایات امامیه سمت و سو گرفته، حقیقت آن است که در این زمینه، نقص‌های فراوانی وجود دارد و نیازمند یک تلاش جدی در این حوزه است. روبرت گلیو بر این باور است که حتی با تمایلات جدیدی که نسبت به تشیع پس از انقلاب ایران ایجاد شده است، به نظر می‌رسد متخصصان این حوزه همچنان به شکل یک اقلیت در میان مطالعات اسلامی و خاورمیانه‌پژوهی قرار دارند؛ چراکه مؤسسه‌هایی که می‌توانند متخصصانی در حوزه شیعه و اهل سنت به کار گیرند، بسیار محدودند. همچنین، به خاطر برخی دلایل، به کارگیری یک متخصص شیعه برای آموزش اسلام سنی چالش‌برانگیزتر از به کارگیری یک متخصص سنی برای آموزش اسلام شیعی است. (Gleave, 2009, p.260) نیومن نیز تأکید می‌کند اگرچه اکنون محققان غربی اذعان دارند که احادیث ائمه علیهم‌السلام مهم‌ترین منبع فقه شیعه را تشکیل می‌دهند، باید برای مطالعه احادیث شیعه دوازده امامی، حوزه‌ای شکل بگیرد که به اندازه حوزه‌ای که برای مطالعه اسلام اهل تسنن پدید آمد، رایج و مرسوم باشد.^{۸۰}

۳. افزون بر این، از دیدگاه شناخت هدف، از مجموعه تلاش‌ها می‌توان این نتیجه

را گرفت که اگر می‌بینیم پیش از انقلاب اسلامی ایران کمترین توجه به شیعه شده است، تا جایی که حتی در آمار ارائه‌شده درباره شیعیان پیش از انقلاب به‌زحمت می‌توان در جهان افرادی را یافت که به تشیع توجه کرده باشند، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و ظهور نظریه ولایت فقیه سبب شد تا انقلاب ایران الگویی برای جنبش‌های اسلامی در سراسر جهان شود و در این میان، شیعیان در جهت بازسازی جایگاه سیاسی خود تحریک گردند. (نک: جاودانی مقدم، ۱۳۸۷) البته همین امر ترس‌هایی را نیز به دنبال داشت. (نک: هالم، ۱۳۸۶ ش، ص ۱۴؛ نیز نک: جهان‌بین، ۱۳۸۷ ش، ص ۱۰۹ به بعد) آنچه از مجموعه تلاش‌های خاورشناسی از ابتدا تاکنون مشهود است اینکه، توجه به حدیث شیعه، به‌ویژه شیعه امامیه، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران از حوزه‌های عام حدیث سنی و نیز حوزه حدیث شیعه به معنای عام آن، کم‌کم به حوزه‌های تخصصی‌تر در حدیث امامیه ورود یافت؛ تلاش‌های انجام‌شده پیش از ۱۹۷۹م، به‌صورت بسیار کم و پراکنده، آن‌هم از باب مصداق‌یابی، مطالعات تطبیقی و شناسایی بوده است؛ اما در سالیان اخیر، به‌ویژه پس از ۲۰۰۰ میلادی، تقریباً اکثر شاخه‌ها و مباحث حدیثی شیعه امامیه مورد توجه پژوهش‌های غربی به‌صورت تخصصی، نظام‌مند، مجموعه‌ای و دانشگاهی قرار گرفته است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. برای دیدن مجموعه این پژوهش‌ها، نک: حسن‌نیا و راد، ۱۳۹۴ ش.
۲. در خصوص سیر تطوری حدیث‌پژوهی در غرب، به معنای عام آن، نک: موتسکی، ۱۳۸۹ ش، ص ۱۳.
۳. آسقف اعظم شهر تیره (م ۱۱۸۶م).
۴. وی را پدر اسلام‌شناسی (و شیعه‌شناسی) آکادمیک مغرب‌زمین دانسته‌اند. (تقی‌زاده، ۱۳۸۵، ص ۱۲؛ نیز نک: بدوی، ۱۳۷۷ ش، ص ۵۱۹ به بعد)
۵. برای نمونه، سه کتاب اصلی او با عناوین *مطالعات اسلامی*، *مقدمه‌ای بر کلام و حقوق اسلامی*، و *شیوه‌های تفسیر قرآن*، از جمله منابع کلاسیک مهم اسلام‌شناسان اروپایی محسوب می‌شود.
۶. قسطر در این مقاله، روایتی را از یونس بن بُکَیر به اعتبار ابن اسحاق نقل کرده که روزی در ملاقات بین پیامبر ﷺ و زید بن عمر بن نُفَیل (از خُنفای مکه)، به زید تکه‌ای گوشت پیشنهاد شد و وی از پذیرش آن سرباز زد. او علت آن را این‌گونه بیان کرد که «من هرگز گوشت قربانی بت‌ها را

نمی خورم.» (Kister, 1970, p.267)

۷. نیومن نیز از این دوره به «دوره سنت گرایان» یاد کرده، بر این باور است که آثار این گروه از نویسندگان پیش از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹م، با رویکردی «متن گرا» پدید آمده است، که در آثاری همچون مادلونگ، کُلبِریگ، الیاش، کُربن، نصر، کالدر و دیگران نمایان است. آنان مطالب بسیاری را درباره اعتقادات خاص تشیع، به غرب آموخته‌اند و به‌ویژه توجه دیگران را به مبانی روایی این اعتقادات معطوف داشته‌اند. (نک: نیومن، ۱۳۸۶ش، ص ۷۱-۷۳)

8. Kohlberg. "The Development of the Imami Shi'i Doctrine of Jihad".
9. Calder, Norman. "Judicial authority in Imami Shi'i jurisprudence".
10. Kohlberg. "Abū Turāb".
11. Kohlberg. "The Term 'Rafida' in Imāmī Shī'ī Usage".
12. Kohlberg. "The Term Muhaddath in Twelver Shi'ism".
13. Kohlberg. "Some Imāmī Views on the Sahāba".
14. Kohlberg. "Akhbārīya".
15. McEoin D. "Aspects of Militancy and Quietism in Imami Shi'ism".
16. Kohlberg. "The position of the walad zinā in Imāmī Shī'ism".
17. Kohlberg. "Non-Imāmī Muslims in Imāmī Figh".
18. Kohlberg. "Barā'a in Shī'ī Doctrine".
19. Sharon, Mo. "Ahl al-Bayt- People of the House".
20. Ayoub M. "Divine Preordination and Human Hope; a Study of the Concept of Bada in Imami Shii Tradition".
21. Kohlberg. "Aspects of Akhbari Thought in Seventeenth and Eighteenth Centuries".
22. Moosa M. *Extremist Shiites: The Ghulat sects*.
23. Moreen VB. "Salman-i farisi and the jews: An anti-jewish shi'i hadith from the seventeenth century".
24. Newman Andrew J. "The Nature of the Akhbari/Usuli Dispute in Late-Safawid Iran. Part One: Abdallah al-Samahiji's 'Munyat al-Mumirisin'".
25. Newman Andrew J. "The Nature of the Akhbari/Usuli in Late-Safawid Iran. Part Two: The Conflict Reassessed".
26. Kohlberg. "Some Shi'i Views of The Antediluvian World".
27. Rubin, Uri. "Prophets and Progenitors in Early Shi'a Tradition".
28. Sachedina, Abdulaziz Abdilhussein, *Islamic Messianism: The idea of Mahdi in Twelver Shi'ism*.
29. Waris Hassan, Syed Mohammad. *A critical Study of NAHJ AL-BALAGHA*.
30. Chittick WC. *As-Sahifa Al-Kamilah Al-Sajjadiyya, a Translation*.
31. Kohlberg. "Al-Usūl al-Arba'umi'a".
32. Kohlberg. "Behār al-'Anwār".
33. Amir-Moezzi MA. "Al-Saffar al-Qummi(d. 290/902-3) et son Kitab basa'ir al-darajat".
34. Kohlberg. *A medieval Muslim scholar at work: Ibn Tāwūs and his library*.
35. Kohlberg. "Authoritative Scripture in Early Imami Shiism".
36. Kohlberg. "Al-Darī'a elā Tasānīf al-Sī'a".
37. Afsaruddin Asma. "An Insight into the Hadīth Methodology of Jamāl al-Dīn Aḥmad b. Tāwūs".
38. Anees, Munawar Ahmad and Athar Alia N., *Guide to Sira and Hadith Literature in Western Languages*.

39. Kohlberg. *Belief and Law in Imāmī Shīism*.
40. Ispahany B, translator & Newman A, editor. *Islamic medical wisdom: the Ṭibb al-a'imma*.
41. Crow Ds. *The Role Of Al-'Aql In Early Islamic Wisdom With Reference To Imam Ja'far Al-Sadiq*.
42. Buckley, Ronald P. "The Early Shiite Ghulat".
43. Amir-Moezzi MA. "Remarques sur les critères d'authenticité du ḥadīth et l'autorité du juriste dans le shi'isme imāmīte".
44. Buckley, Ronald P. "On the origins of Shī'i Ḥadīth".
45. Firestone, Reuven. "Merits, Mimesis, and Martyrdom: Aspects of Shi'ite Meta-historical Exegesis on Abraham's Sacrifice in Light of Jewish, Christian, and Sunni Muslim Tradition".
46. Buckley, Ronald P. "Ja'far Al-Sadiq as a Source of Shi'i Traditions".
47. Kohlberg. "Fazl b. Sadan Nisapūri Azdī, Abū Mohammad".
48. Newman J.Andrew. "Clerical Perceptions of Sufi Practices in Late Seventeenth-Century Persia: Arguments over the Permissibility of Singing(Ghina)".
49. Newman J.Andrew. "Sufism and Anti-Sufism in Safavid Iran: The Authorship of the 'Hadiqat al-Shi'a' Revisited".
50. Büyükkara, Mehmet Ali, "The Schism in the Party of Mūsa al-Kazim and the Emergence of the Waqifa".
51. Jarrar, Maher. "Sīrat Ahl al-Kisā: Early Shī'i Sources on the Biography of the Prophet".
52. Gleave, Robert. "Between Ḥadīth and Fiqh: The "Canonical" Imāmī Collections of Akhbār".
53. Gleave, Robert. *Scripturalist Islam; The History and Doctrines of the Akhbari Shi'i School*.
54. Haider, Najam. *The Origins of The Shi'a, Identity, Ritual, and Sacred Space in Eight Century Kūfa*, (chapter: Kūfa and the Classical Narratives of Early Shī'ism).
55. Marcinkowski, Muhammad Ismail. "Al-Kulayni and his Early Twelver-Shi'ite *Hadith*-Compendium *Al-Kafi*: Selected Aspects of the Part *Al-Usul min al-Kafi*".
56. Marcinkowski, Muhammad Ismail, "Twelver Shiite Scholarship and Buyid Domination. A Glance on the Life and Times of Ibn Babawayh al-Shaykh al-Saduq (d. 381 A.H./991 C.E.)".
57. Marcinkowski, Muhammad Ismail, "Rapprochement and Fealty during the Buyids and Early Saljuqs: The Life and Times of Muhammad ibn al-Hasan al-Tusi,".
58. Kohlberg. "Revelation et Falsification: Introduction a L'edition du Kitab al-qiraat d'al-Sayyari".
59. Vilozny R. "A Shi'i Life Cycle according to al-Barqi's kitab al-Mahasin".
60. Amir-Moezzi MA& Ansari H. "Muḥammad b. Ya'qūb al-Kulaynī(m. 328 ou 329/939-40 ou 940-41) et son Kitāb al-Kāfi".
61. Madelung, Wilferd. "Early Imāmī Theology as Reflected in the Kitāb al-kāfi of al-Kulaynī".
62. Modarressi, Hossein, *Tradition and Survival, a Bibliographical Survey of Early Shiite Literature (vol.1)*.
63. Sadeghi, Behnam. "The traveling tradition test: a method for dating traditions".
64. Emir-Muezzi, Muhammad Ali, 'Imāmī Şiilik'te Hadisin Sihat Kıstasları ve Fakihin Otoritesine Dair Değerlendirmeler".
65. Büyükkara, Mehmet Ali. "Imamyie Sia' Sunin Hadis Usulunden "Mezhebi Bozuk": Reviler(I): Metodolojik Degerlendirmeler, *Islami Arastirmalar Dergisi*.
66. Brunner, Rainer. "The Role of Hadith as Cultural Memory in Shi'a".

67. Takim LN. "The Origins and Evaluations of Hadith Transmitters in Shi'i Biographical Literature".
68. Buckley, Ronald. "The morphology and significance of some Imami Shi'ite traditions".
69. Brown, Jonathan A. C. *Hadith: Muhammad's legacy in the medieval and modern world*.
70. Gleave Robert. "Literal Meaning and Interpretation in Early Imāmī Law".
71. Daftary, Farhad and Miskinzoda, Gurdof(editors), *The Study of Shi'i Islam*.
72. Crow K. "Shiite Hadith Bibliography: An Introduction".
73. Sindāwī Khalid. "The Donkey of the Prophet in Shī'ite Tradition".
74. Inloes A. "The Queen of Sheba in Shi'a Hadith".
75. Ruffle KG. "An Even Better Creation: The Role of Adam and Eve in Shi'i Narratives about Fatimah al-Zahra".
76. Beradze G. "Among the Chosen Cities: Tiflisi in the Shi'i Tradition".
77. Büyükkara, Mehmet Ali. "İmami-Şii Rivayetlerde İbrahim Peygamber".
78. Dakake, Maria Massi. "Writing and Resistance: The Transmission of Religious Knowledge in Early Shi'ism".
79. Miskinzoda Gordof. "The Story of 'Pen and Paper' and its Interpretation in MuslimLiterary and Historical Tradition".

۸۰. وی ضمن ارائه چند پیشنهاد، «رویکردی تاریخی» را به عنوان یکی از رویکردهای جدید و مهم و ضروری در این عرصه مطرح می‌کند. (نک: همان، ص ۷۳)

منابع

۱. بدوی، عبدالرحمن، *دایرةالمعارف مستشرقان*، ترجمه صالح طباطبایی، ج ۱، تهران: روزنه، ۱۳۷۷ش.
۲. پارسا، فروغ، حدیث در نگاه خاورشناسان؛ بررسی و تحلیل مطالعات حدیث‌شناختی هارالد موتسکی، ج ۱، تهران: دانشگاه الزهراء علیها السلام، ۱۳۸۸ش.
۳. تقی‌زاده داوری، محمود(زیر نظر)، *تصویر امامان شیعه در دایرةالمعارف اسلام(ترجمه و نقل)*، ج ۱، قم: مؤسسه شیعه‌شناسی، ۱۳۸۵ش.
۴. جاودانی مقدم، مهدی، «هلال شیعی، بازیابی هویت یا توهم توطئه»، *فصلنامه خط اول*، سال دوم، ش ۴، بهار ۱۳۸۷ش.
۵. جهان‌بین، فرزاد، «تشیع هالم و دوره شکل‌گیری تشیع دوازده امامی نیومن: بررسی تطبیقی و هدف‌شناختی»، در مجموعه مقالات همایش بین‌المللی تشیع و خاورشناسان، برگزار شده توسط انجمن تاریخ‌پژوهان و به کوشش محمدرضا بارانی، قم: خاکریز، ۱۳۸۷ش.
۶. حسن‌نیا، علی، *تحلیل انتقادی حدیث شیعه از نگاه خاورشناسان(رساله دکتری)*، دانشگاه تهران: پردیس فارابی، ۱۳۹۴ش.

۷. حسن‌نیا، علی، و علی راد، «خاورشناسان و حدیث امامیه؛ طبقه‌بندی و تحلیل پژوهش‌ها»، علوم حدیث، دوره ۲۰، ش ۷۸، زمستان ۱۳۹۴ ش.
۸. شینی‌میرزا، سهیلا، مستشرقان و حدیث: نقد و بررسی دیدگاه‌های گانتسیهر و شناخت، چ ۱، تهران: هستی‌نما، ۱۳۸۵ ش.
۹. موتسکی، هارالد، حدیث اسلامی، خاستگاه‌ها و سیر تطور، به‌کوشش و ویرایش مرتضی کریمی‌نیا، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۹ ش.
۱۰. نیومن، آندرو، دوره شکل‌گیری تشیع دوازده‌امامی: گفت‌مان حدیث میان قم و بغداد، ترجمه و نقد مؤسسه شیعه‌شناسی، چ ۱، قم: مؤسسه شیعه‌شناسی، ۱۳۸۶ ش.
۱۱. هالم، هاینس، تشیع، ترجمه محمدتقی اکبری، چ ۱، قم: نشر ادیان، ۱۳۸۶ ش.
12. Gleave, Robert, "Recent Research into the History of Early Shiism", *History Compass*, 2009, vol. 7(6).
13. Kister, M. J., "'A Bag of Meat': A Study of an Early Hadīth". *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 1970, vol. 33(2), pp.267-275.
14. ———, "On the papyrus of Wahn b. Munabbih", *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 1974, vol.37(3), pp.545-571.
15. Kohlberg Etan-A. "Some Imāmī-shī'ī Views on Taqiyya", *Journal of the American Oriental Society*, July-Sept 1975-A, vol.95 (3), pp.395-402.
16. ———, "An Unusual Shi'i Isnad", *Israel Oriental Studies*, 1975-B, vol. 5, pp. 142-149.
17. ———, "From Imāmiyya to Ithnā-'ashariyya", *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*, 1976, vol.39 (3), pp.521-534.
18. ———, "Shi'i Hadith", In: Beeston, A. F. L., editor. *Arabic Literature to the End of the Umayyad Period*, Cambridge: Cambridge University Press, 1983-A, pp. 299–303.
19. ———, "Shi'i Hadith" in *The Cambridge History of Arabic Literature: Arabic Literature until the End of the Umayyad Period* (London, 1983-B).
20. ———, "Western Studies of Shi'a Islam", in Martin Kraner(ed.), *Shi'ism, Resistance and Revolution*, Boulder, Co: Westview Press, 1987-A.
21. ———, "Al-Usūl al-Arba'umi'a", *Jerusalem Studies in Arabic & Islam*, 1987-B, vol. 10, pp. 128-166.
22. ———, "The Evolution of the Shia", in: *Belief and Law in Imami Shi'ism*, Variorum Reprints, Aldershot, 1991.
23. ———, "Introduction" to Shi'i Hadith Section of Daftary, Farhad and Miskinzoda, Gurdof(editors), *The Study of Shi'i Islam: History, Theology and Law*, (Shi'i heritage series), I.B. Tauris, 2013, vol. 2, pp. 165-180.
24. Lalani, Arzina R. *Early Shī'ī thought: The teachings of Imam Muḥammad al-Bāqir*, London, New York: I.B. Tauris in association with the Institute of Ismaili Studies, 2000.

25. Newman, Andrew. *The Formative Period of Twelver Shī'ism: Hadīth as Discourse between Qum and Baghdad*, Richmond, surrey, 2000.